



تأثیرات مثبت مهاجرت بر باورهای دینی زنان

(حجاب)^۱

حسنات بیانی^۲

چکیده

مهاجرت به معنای ترک کردن موطن خود و رفتن به جایی دیگر برای رهایی از شرایط ناگوار وطن و دستیابی به شرایط بهتر است. قرآن کریم مهاجرت را به عنوان گزینه پیشنهادی برای رهایی از استضعاف در وطن، معرفی می‌کند. ابعاد مختلف استضعاف که انگیزه مهاجرت فرد می‌شود عبارتند از: استضعاف در اقتصاد، استضعاف در آزادی‌های اجتماعی و دینی، استضعاف در عدالت اجتماعی. مقصد مهاجرت‌های کنونی بیشتر اوقات کشورهای غیرمسلمان هستند، بنابراین تصور اولیه ما از مهاجرت، منفی است اما زن مسلمان می‌تواند از مهاجرت بهره مثبت به نفع دین خود ببرد. این مقاله نشان می‌دهد که مهاجرت می‌تواند بر حجاب زنان مسلمان تأثیر مثبت داشته باشد. این تأثیرات مثبت را می‌توان ناشی از چهار مسأله دانست: دستیابی به آموزش و پرورش، رشد اقتصادی، دستیابی به آزادی‌های اجتماعی و داشتن حریم شخصی.

واژگان کلیدی: مهاجرت، حجاب، زنان، استضعاف، آموزش، حریم شخصی،

آزادی اجتماعی، رشد اقتصادی، عدالت

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۳/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۷.

۲. کارشناسی ارشد کلام اسلام جامعه المصطفی العالمیه / hasanat.bayani@yahoo.com

مقدمه

مهاجرت یک پدیده نویناد نیست. بنای زندگی بشر بر مهاجرت است. وقتی اولین قبایل شکارچی - جمع کننده و کوچ نشین ها تشکیل شدند، براساس منافی که در مقصد در انتظارشان بود و مضراتی که اقامت در مبدأ گریبان آن ها را می گرفت، در مهاجرتی دائمی بین بیلاقات و قشلاقات می زیستند. امروزه نیز مهاجرت ها براساس منافع انجام می شوند. معمولاً در مقصد فایده عظیمی، مادی یا معنوی، در انتظار افراد است و یا در مقصد شرایط زندگی اعم از زیستی و اجتماعی غیرقابل تحمل تشخیص داده می شود. زنان به عنوان قشری از جامعه بشری همواره در معرض انتخاب بین ماندن در وطن یا رفتن و مهاجرت بوده اند. مهاجرت تأثیر بسیار زیادی بر زندگی افراد دارد اما برای زنان (مسلمان) به عنوان افرادی که همواره تمایلات دیندارانه بیشتری دارند، و یا لاقبل به ویژه بر حجابشان، که اولین نمود و تظاهر یک جامعه مسلمان است تأثیرگذار است. اولین تأثیری که به ذهن می رسد بی حجاب شدن زنانی است که به اروپا مهاجرت کرده اند اما هدف من از نگارش این مقاله بیان تأثیرات مثبت مهاجرت بر حجاب زنان است. من برای نوشتن این مقاله پیش زمینه ذهنی دارم. من یک مهاجر افغانی مقیم ایران هستم و همواره زنانی را می بینم که از کشورشان افغانستان به ایران مهاجرت کرده اند و حجابشان تحت تأثیر این مهاجرت قرار گرفته است. و این تأثیر عموماً مثبت بوده است. زنانی که قبلاً لچکی بر سر می انداختند و گردن و سینه و موی سرشان دیده می شد، در ایران تبدیل به محجبه هایی دو آتسه می شوند، حتی از ایرانیان دور و اطرافشان بسیار مذهبی تر. جالب تر اینکه دوستانی دارم که از ایران به کشورهای اروپایی و استرالیا مهاجرت کرده اند و پس از چند سال آن ها را با حجابی بسیار کامل - تر، از آنچه ایران را ترک کرده بودند، دیده ام. بنابر آنچه ذکر شده، هدف از نگارش این مقاله بیان تأثیرات مثبت مهاجرت بر حجاب زنان است.

در ضرورت انجام این پژوهش می توان گفت که بسیاری اوقات، آنچه ما از مهاجرین تصور می کنیم، مردانی است که در آرزوی شراب و روابط آزاد و

زنانی که به امید رفع حجاب و زندگی بی‌بندوبارانه راه دشوار مهاجرت را برگزیده‌اند. اما تجربه نشان داده است که همیشه اینگونه نیست. زندگی در مهاجرت گاهی تأثیری بسیار عمیق بر فرد دارد. گاهی مهاجرت تجربه‌ی جدیدی است که او را به نهان خودش نزدیک و حتی دیندارتر و معنوی‌تر می‌کند. من در این مقاله سعی می‌کنم بخشی از این روند را، یعنی قسمتی که بر حجاب زنان تأثیر مثبت دارد، واکاوی کنم.

درخصوص این موضوع مقاله یا کتابی پیدا نکردم. اما کتاب‌ها و مقالات بسیاری با موضوع حجاب و عفاف نگاشته شده‌اند. برای مثال کتاب **شهروندی و مهاجرت: جهانی شدن و سیاست تعلق**، نوشته‌ی نویسندگان **الستر دیوید سون** و **استفن کاستلز** و ترجمه‌ی فرامرز تقی‌لو، توسط پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی منتشر شده است. این کتاب با موضوع جامعه‌شناسی مهاجرت نوشته شده است. و کتاب **زن در اسلام** نوشته‌ی فریبا علاسوند که توسط حوزه‌ی علمیّه قم نشر شده است، برای مطالعه در موضوع حجاب زنان در اسلام مناسب است.

سؤالات اصلی ای که در این تحقیق به دنبال آن هستم عبارتند از:

علل مهاجرت چیست؟ نظر اسلام در مورد مهاجرت چیست؟ مهاجرت چه تأثیری (مثبت) بر دینداری (حجاب) زنان دارد؟

۱. تعریف مهاجرت

دهخدا واژه مهاجرت را این‌گونه تعریف می‌کند:

«ترک کردن دوستان و خویشان و خارج شدن از نزد ایشان یا فرار از ولایتی به ولایت دیگر از ظلم و تعدی... بریدن از جایی به دوستی جایی دیگر. ترک دیار گفتن و در مکان دیگر اقامت کردن. مهاجره. مهاجرت کردن؛ هجرت کردن. کوچ کردن.» (لغت‌نامه دهخدا، آنلاین: ذیل واژه)

از عوامل مهم مهاجرت فقر مالی و شرایط ناگوار اقتصادی و یا سرکوب‌های اجتماعی و دینی است. که می‌تواند اقلیت و یا حتی عده بیشتری از افراد جامعه را مجاب کند که به سرزمین‌هایی که شرایط مطلوب تری دارد مهاجرت کنند. (گیدنز، ۱۳۷۳: ۲۸۲-۲۸۴)

به‌طور کلی مهاجرت از وطن معمولاً در شرایطی رخ می‌دهد که فرد در سرزمین خود شرایط نامطلوبی دارد و یا در سرزمین مقصد، شرایط مطلوب تری در انتظارش خواهد بود و او به امید رهایی از شرایط نامطلوب خود و رسیدن به مقصد مقصود دست به هجرت می‌زند.

۱.۲ اهمیت مهاجرت در اسلام

مهم‌ترین آیه‌ای که در این باره در قرآن ذکر شده و مشهور به آیه مهاجرت است می‌گوید:

«إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَأَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (نساء: ۹۷)

در این آیه خداوند سبحان از کسانی می‌گوید که در شرایط نامطلوبی بودند واصطلاحاً «مستضعف» بودند. در روز قیامت از آنان سؤال پرسیده خواهد شد که: در چه حالی بودید؟ و آنان شرایط خود را در دنیا توضیح می‌دهند که «ما در زمین از مستضعفان بودیم.» در این هنگام درحالی که به دوزخ افکنده می‌شوند به آن‌ها پاسخ داده می‌شود: «مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟»

علامه طباطبایی عقیده دارند که این آیه دال بر سؤال از وضعیت دین آن‌ها است؛ یعنی برچه دینی بودید؟ عبارت «أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَأَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا» (مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟) هم نشان می‌دهد که این پاسخ که «كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ» (ما در زمین از مستضعفان بودیم)، از آن

رو قانع کننده نیست که مشرکان مکه تنها در مکه قدرت داشتند و آن افراد می‌توانستند از مکه کوچ کنند و به سرزمین‌های دیگر بروند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۵/۴۹-۵۰) اما به نظر می‌رسد ضرورتی بر این حصر نیست و ما می‌توانیم معنای آیه را به صورت کلی و مؤید این حکم عقلی در نظر بگیریم: هر انسانی که گرفتار شرایط نامطلوب است که خود و خانواده‌اش را گرفتار کرده است، اگر می‌تواند، باید دست به تغییر شرایط بزند؛ چه این تغییر در قالب انقلاب و نهضت باشد، و یا اگر توان کمتری دارد در قالب مهاجرت می‌تواند دنیای خود را بهبود بخشد. و تفسیر علامه طباطبایی که البته مبتنی بر شأن نزول^۱ آیه است نکته مهمی را بر ما آشکار می‌کند. مهاجرت می‌تواند بر دین فرد تأثیرگذار باشد، آنچنانکه کوتاهی در این امر، منجر به مؤاخذه اخروی و گرفتاری در دوزخ خواهد شد. و برعکس کسانی که بخاطر دین خود دست به مهاجرت می‌زنند اگر در راه این هجرت کشته شوند، مأجور درگاه خداوند هستند:

«وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَ سَعَةً وَ مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء: ۱۰۰)

۳. علل مهاجرت

بنابر آیه‌ای که گذشت، انسان‌های برای درآمدن از استضعاف در سرزمین خود می‌توانند به مناطق دیگر مهاجرت کنند. به‌طور کلی استضعاف را می‌توان در ابعاد مختلف حیات تصور کرد:

۱. آیه در مورد کسانی است که در مکه مسلمان شدند اما به مدینه هجرت نکردند و از ترس از دست دادن اموال بصورت خودخواسته در استضعاف دینی باقی ماندند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸۳-۸۴).

۳-۱. استضعاف در اقتصاد

گیدنز این مسأله را یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مهاجرت می‌داند و جنگ جهانی اول را مثال می‌زند که در طی آن بریتانیا به علت نیاز به مردان رزمنده و جنگجو تعداد پانزده هزار نفر از سیاهپوستان جزایر کارائیب بریتانیا را به منظور تشکیل یک هنگ سیاهپوست استخدام کردند اما پس از پایان تخصصات، گروهی از آن مردان در بریتانیا مقیم شدند و ترجیح دادند به جای آنکه به محیط از نظر اقتصادی بی‌رونق هند غربی بازگردند، در بریتانیا بمانند و از مواهب اقتصادی آن بهره‌مند شوند. (گیدنز، ۱۳۷۳: ۲۸۴)

۳-۲. استضعاف در عدالت اجتماعی (در بهره‌وری از امکانات وطن، بخصوص در هنگام بلایا و سختی‌ها)

معمولاً چنین توقع می‌رود که همه افراد جامعه از امکانات وطن به نحو مساوی بهره‌مند شوند. یکی از دانشمندان جامعه‌شناس به نام دیویس این مسأله را آنقدر تأثیرگذار می‌داند که در صورت وجود شرایط مطلوب، می‌تواند منجر به انقلاب اجتماعی شود. (همان، ۶۶۲)

یکی از مهم‌ترین موارد استضعاف در عدالت اجتماعی، استضعاف در آموزش است که می‌تواند منجر به بازتولید چرخه فقر و نابرابری شود.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند:

«أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۵ / ۱۰۵) کاملاً محتمل است که با قرار دادن این حدیث در کنار آیه مهاجرت، چنین نتیجه شود که یکی از مصادیق مهاجرت، هجرت برای برطرف کردن استضعاف علمی و آموزشی است که در لسان روایات حتی بدان تأکید هم شده است.

۳-۳. استضعاف در آزادی‌های اجتماعی و دینی

دین و فرهنگ دو مؤلفه در هم تنیده با هم و با زندگی و شخصیت انسان‌ها هستند. هیچ جامعه شناخته شده‌ای نیست که در آن شکلی از دین وجود نداشته باشد؛ اگرچه اعتقادات و اعمال مذهبی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر

فرق می‌کند. (گیدنز، ۱۳۷۳: ۵۱۴) اکثریت مردم حتی اگر مقید به آداب دینی نباشند، خود را وابسته به نهادهای دینی و مذهبی می‌دانند. (همان، ۵۰۸)

سرکوب‌های دینی یکی از مهم‌ترین دلایل برای مهاجرت است. برای مثال یکی از علل مهاجرت‌های اولیه به سوی قاره آمریکا، آزادی بیان مذهبی بود که در نهایت یکی از مواد قانون اساسی آن کشور را تشکیل داد. مهاجران اولیه پناهندگانی بودند که از ستم مذهبی مقامات سیاسی به تنگ آمده بودند و در جستجوی آزادی دینی، به قاره‌ای وحشی پناه بردند. (همان: ص ۵۰۹)

همانگونه که مشاهده شد، بنابر تفسیر علامه طباطبایی، آیه مهاجرت نیز به این نوع استضعاف اشاره دارد. در فرهنگ اسلامی رهایی از این استضعاف تاجایی اهمیت دارد که مبدأ تاریخ اسلامی را هجرت پیامبر اکرم از شهر مکه به شهر مدینه در نظر گرفته‌اند.

۴. زنان و دین (حجاب)

معمولاً برای وابستگی مذهبی و اعتقادات دینی یک الگوی آشکار بر حسب سن، جنس، طبقه و جغرافیا وجود دارد. مردم عربستان عموماً مسلمان هستند و اکثر پیروان مذهب بودا در شرق آسیا زندگی می‌کنند. مسائل دینی و عضویت در گروه‌های اجتماعی دینی برای نوجوانان تا سنین خاصی به اوج می‌رسد و پس از آن رو به افول می‌گذارد. و به نسبت جوانان، پیرزنان و پیرمردها تمایل بیشتری به شرکت در اجتماع‌های مذهبی از جمله مساجد و تکایا دارند. یک پژوهش جامعه‌شناختی این مسأله را تأیید می‌کند و ابراز می‌دارد که زنان بیش از مردان گرایش به دین و مذهب دارند. (گیدنز، ۱۳۷۳: ۵۰۸-۵۰۹)

مهم‌ترین و بارزترین مؤلفه دینداری زنان مسلمان که حتی می‌تواند به عنوان نشانگانی بر مسلمان بودن یک اجتماع ارزیابی شود حجاب است. حجاب موضوعی تاریخی در زندگی زن مسلمان است و بخشی از زندگی اجتماعی و فردی محسوب می‌شده است و تا قبل از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹

نیز تجربیات فردی، سفرنامه‌ها و روایت‌هایی از شرق حجاب زن مسلمان را به تصویر کشیده بودند. (صفاوردی، ۱۳۸۹: ۲۹۶)

واژه حجاب به معنای حائل، پرده، پنهان کردن و منع از تلاقی است بنابراین گفته استاد مطهری کاربرد مسأله حجاب در مورد پوشش یک زن اصطلاح نسبتاً جدید است زیرا این واژه پیش‌تر در معنای پرده استعمال شده. (مطهری، ۱۳۷۶: ۷۲-۷۴)

در معنای اصطلاحی، مراد از حجاب پوشش مخصوص زنان است. عموم زنان مسلمان و برخی فرق مذهبی دیگر حجاب دارند. اما در دنیا آنچه مشهور است حجاب زنان مسلمان است به نحوی که تشخیص مسلمان بودن یک جامعه در نگاه اول با توجه به حجاب زنان آن جامعه ممکن است.

تجربه نشان داده که الگوی دینداری زنان بشدت متأثر از یک مسأله ثانوی است و آن شرایط عرفی است. در جوامع سنتی، علاقه زیادی به آموزش و پرورش زنان وجود ندارد؛ نابرابری‌های مربوط به جنسیت از نظر تاریخی بسیار ریشه‌دارتر از نظام‌های طبقاتی است. حتی در جوامع شکارگر و گردآورنده خوراک، که هیچ طبقه یا وجود ندارد مردان موقعیتی برتر از زنان دارند و بسیاری از بهره‌مندی‌های اقتصادی و اجتماعی لزوماً مردانه تلقی می‌شوند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۲۳۹)؛ پس ناگزیر دینداری زنان بیش از اینکه تابع آموزش‌های کلاسیک و رسمی دینی باشد، برخواسته از عنعنات سنتی است. بنابراین ممکن است زنان در جامعه‌ای خود را دیندار ببندارند درحالی‌که با دین مستند، فاصله زیادی دارند. مثال بارز این مسأله، حجاب است. حجاب یک موضوع وابسته به دین است که در قرآن و سنت تأکید بسیار بر آن شده است اما حدّ و حدود آن بشدت تابعی از عرف است تا حدّی که حجاب زنان از یک روستا تا روستای مجاور ممکن است متفاوت باشد.

۵. تأثیرات مثبت مهاجرت بر دینداری زنان (حجاب)

با توجه به ابعاد و علل پیشین که برای مهاجرت ذکر شد تأثیرات مثبت مهاجرت بر حجاب زنان را می‌توان اینگونه نشان گذاری کرد:

۱-۵. آموزش و پرورش

مهم‌ترین تأثیر مثبت مهاجرت برای زنان بهره‌مندی از آموزش و تحصیلات عالی است. بهره‌مندی از نهاد آموزش، منجر به انتقال فرهنگی، یعنی انتقال دانش‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌های مهم به زنان است. اگر جامعه مقصد یک جامعه دین محور باشد، این کارکرد خود منجر به بهبود دین‌ورزی زن می‌شود. کارکرد دیگر نهاد آموزش رشد فردی است. (کافی، ۱۳۸۵: ۲۴۰) این مهم می‌تواند بر حجاب زنان بنحو ایجابی مؤثر باشد: زنان از حدود دینی حجاب مطلع می‌شوند و ناآگاهی تبدیل به آگاهی شده و معرفت و شناخت زنان نیست به دین افزایش می‌یابد. این آگاهی محرک زنان برای دینداری است و یکی از مؤلفه‌های دینداری زنان داشتن حجاب صحیح است.

تغییر در نقش اجتماعی زنان به علت مهاجرت، می‌تواند بر دستیابی زنان به تحصیلات مؤثر باشد. نقش اجتماعی به معنای رفتار مورد انتظاری است که شخص دارند موقعیت و پایگاه اجتماعی باید آن را برآورده سازد. به عبارت دیگر نقش به رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از دارنده یک منزلت و پایگاه معین انتظار دارند. (کافی، ۱۳۸۵: ۷۱) در جوامع سنتی نقشی که از یک زن انتظار می‌رود چیزی فراتر از مادری و همسری نیست که معمولاً نیاز خاصی برای آموزش‌های فراخانواده را نمی‌طلبد. اما مهاجرت می‌تواند با تغییر نقش‌ها و الگوها، راه تحصیل را برای زنان هموار کند.

۲-۵. اقتصاد

آنچه موجب انگیزش انسان است نیاز است. (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۶: ج ۱/۲) رشد وضعیت اقتصادی، منجر به رفع نیازهای اولیه و زیستی و در نتیجه

احساس ضرورت برای رفع نیازهای بعدی است. روانشناس و دین‌پژوه مشهور، آبراهام مازلو نیازهای انسان را در یک هرم دسته‌بندی می‌کند:

قاعده این هرم را نیازهای زیستی تشکیل می‌دهند. نیازهای زیسته بیشترین تأثیر را بر رفتار فرد دارند و عبارتند از: خوراک، پوشاک، غریزه جنسی و مسکن

سپس نیازهای امنیتی هستند که عبارتند از نیاز به حفاظت از خود در زمان حال و آینده.

نیازهای اجتماعی یا حس تعلق و محبت مرتبه بعدی نیازهای انسانی را تشکیل می‌دهند.

و نیاز به احترام و عزت نفس پس از ارضای نیازهای اجتماعی احساس می‌شود. آخرین مرتبه نیازها، نیازهای خودشکوفایی است که شامل معنویت و اخلاق و خلاقیت و... است.

رابطه این نیازها به گونه‌ای است که هرچه از قاعده هرم به سمت راس آن می‌رود، اهمیت زیستی آن نیاز کاهش می‌یابد و (معمولاً) تا نیازهای قبلی مرتفع نشود نیازهای بعدی احساس نمی‌شود. (مک کلند، ۱۳۸۵: ۵۱۴ به نقل از شجاعی، ۱۳۸۶: ۹۳)

زنانی که در استضعاف اقتصادی قرار گرفته‌اند و درگیر نیازهای زیستی اولیه هستند، با گذر از این استضعاف، راه را برای حس نیازهای بعدی می‌گشایند و در نهایت احساس نیاز به معنویت آن‌ها را برمی‌انگیزاند تا برای ارضای نیاز معنویت‌خواهی خود دست به کاری بزنند. و خواه ناخواه حجاب جزو اولین اقداماتی است که برای ابراز حس معنویت و دین‌خواهی زنان مسلمان به چشم می‌آید.

۳-۵. دستیابی به آزادی های دینی و عقیدتی و اجتماعی

تاریخ مؤید این مسأله است که در حکومت های ضد دین، اولین چیزی که به عنوان مظاهر دین داری با آن مقابله می شود حجاب زنان است. کشف حجاب رضاخان در ایران و آتاتورک در ترکیه دو مورد مشهور از این قضیه هستند. بسیاری از زنان مؤمنه در آن دوران یا خانه نشین شدند یا به همراه خانواده به کشورهای دیگر مهاجرت کردند. و بدین ترتیب مهاجرت آن ها به نحو ایجابی بر حجاب آنان و حفظ این حجاب مؤثر بود.

دستیابی زنان به آزادی های اجتماعی به نحو دیگری نیز بر حجاب تأثیرگذار است. در بسیاری از خانواده های سنتی زنان حق دسترسی به آموزش های کلاسیک را نداشتند. در بسیاری از خانواده های طبقه متوسط درحالیکه پسران سواد رایج را در مکاتب و مدارس کسب می کردند و یا وارد بازار کار می شدند، دختران باید در خانه می ماندند و خود را برای خانه داری آماده می کردند. (ابوت، ۱۳۸۰: ۸۵) این دختران از آموزش های دینی صحیح محروم بودند و در نهایت آنچه از دین می آموختند یا سنن سینه به سینه از مادران بود و یا اموری دیکته شده از سوی مردان، که چون پشتوانه علمی نداشت براحتی در معرض از دست رفتن بود. با این بیان، روشن می شود که مهاجرت و رهایی از استضعاف اجتماعی برای مردان نیز، چگونه بر رشد و ترویج حجاب زنان تأثیرگذار است: رشد آگاهی های دینی برای مردان خانواده، مسلماً بر رشد معنویت زنان تأثیرگذار است.

۴-۵. داشتن حریم شخصی

اگر مهاجرت از جوامع بسته و روستایی به جوامع بزرگتر و شهرها باشد، علاوه بر مزیت های دیگر، منجر به حفظ حریم شخصی و خصوصی می شود که دیگران به آسانی نمی توانند از آن آگاه شوند. (کافی، ۱۳۸۵: ۲۸۵) این حریم شخصی به فرد اجازه می دهد بدون اینکه توسط دیگران ارزیابی شود و انگ بخورد، آنگونه که می خواهد زندگی کند. برای زنانی که نحوه حجابشان

علی‌رغم اعتقاداتشان، متأثر از فرهنگ غالب جامعه بوده است، داشتن حریم شخصی می‌تواند به حفظ حجاب، کمک کند.

نتیجه

مهاجرت یک پدیده تأیید شده توسط دین است. هرگاه افرادی به دلایل مختلف و از جنبه‌های مختلف مورد استضعاف قرار بگیرند، وظیفه دینی آنها رها کردن خویشتن از بند این استضعاف است. دین مهاجرت را به عنوان یک گزینه پیشنهاد می‌کند. بدین وسیله واضح است مهاجرت که امروزه بیشتر بار منفی در اذهان دارد، می‌تواند راهی بسوی دین‌ورزی باشد. زنان می‌توانند از شرایط بالقوه مهاجرت برای رشد و ارتقای سطح دینداری خود استفاده کنند. چهار بُعد قابل توجه مهاجرت برای ارتقای دین‌ورزی (حجاب) عبارتند از: الف) دستیابی به آموزش و پرورش ب) رشد اقتصادی ج) دستیابی به آزادی- های اجتماعی د) داشتن حریم شخصی.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم.

۱. ابوت، پاملا و کلر والاس، (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
۲. شجاعی، محمدصادق، (۱۳۸۶)، دوفصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی «نظریه نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام و تناظر آن با سلسله مراتب نیازهای مازلو»، سال ۱. ش ۱. پاییز و زمستان، صص ۱۱۶-۸۷.
۳. صفاوردی، سوسن، (۱۳۸۹)، مطالعات راهبردی زنان «بازنمایی حجاب زن مسلمان در رسانه‌های غربی (جنبه های حقوقی و سیاسی)» سال دوازدهم، شماره ۴۸، تابستان، (صص ۲۹۵-۳۴۰)
۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۵. علاسوند، فریبا، (۱۳۹۲)، زن در اسلام، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۶. کاستلز، استفن و ایستر دیویدسون، (۱۳۸۲)، شهروندی و مهاجرت: جهانی شدن و سیاست تعلق، ترجمه فرامرز تقی لو، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. کافی، مجید، (۱۳۸۵)، مبانی جامعه‌شناسی، قم: مرکز جهانی علوم انسانی.
۸. گیدنز، آتونی، (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۹. المجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، تحقیق: السیدابراهیم المیانجی، محمدالباقر البهودی، بیروت: دارالاحیاء التراث.
۱۰. مصباح‌یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۶)، اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۶)، مسأله حجاب، تهران: صدرا.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

